

Epistemological challenges of development and its role on the contemporary social development process of Iran

Majid Ebrahimi Sani

Ph. D. student in Sociology, Department of Social Sciences, Islamic Azad University Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

Davood Ebrahimpour*

Ph. D. in Sociology, Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

Mohammad Abbaszadeh

Ph. D. in Sociology, Professor, Department of Social Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran.

Samad Sabbagh

Ph. D. in Sociology, Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

Abstract:

The epistemic foundations and intellectual foundations of development and the mental challenges related to it play a decisive role in the rate and direction of development in every age, according to the climatic and cultural requirements of societies. The present research was conducted with the aim of identifying the mental patterns of the epistemic challenges of development and its role on the contemporary social development process of Iran. The philosophical framework of this research is an interpretative-positivist paradigm with an applied orientation and a combined strategy of Q method. Opinions were collected with a qualitative method and mentalities were discovered with a quantitative approach using Q factor analysis. The statistical population of the research is provincial planning specialists in East Azarbaijan province and the statistical sample of 30 people was selected purposefully. After identifying the existing discourse space, 66 phrases were extracted. The reliability of this research was determined using the test-retest method. Data analysis was done by performing Q-type exploratory factor analysis using Spss software. Based on the results of the research, mental patterns of development in 8 cognitive factors (challenges); Weakness of vision and knowledge of development, psychological perspective, inefficient educational system, personalism, weakness of the modernization process, modernism, management weakness, and production culture weakness were extracted. The naming of the factors was according to the content of the sub-factors.

Keywords: *Development, cognitive challenges, social development, planning, Q method.*

* Email: ebrahimpour@iaut.ac.ir (Corresponding Author)

چالش‌های معرفتی توسعه و نقش آن بر روند توسعه اجتماعی معاصر ایران

مجید ابراهیمی ثانی^۱، داود ابراهیم‌پور^{۲*}، محمد عباس‌زاده^۳، صمد صباغ^۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

چکیده

مبانی معرفتی و بنیان‌های فکری توسعه و چالش‌های ذهنی مربوط به آن، در هر عصری متناسب با اقتضائات اقلیمی و فرهنگی جوامع، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان و مسیر توسعه دارد. تحقیق حاضر با هدف شناسایی الگوهای ذهنی چالش‌های معرفتی توسعه و نقش آن بر روند توسعه اجتماعی معاصر ایران صورت گرفت. چارچوب فلسفی این پژوهش از نوع پارادایم تفسیری - اثبات‌گرایی با جهت‌گیری کاربردی و استراتژی ترکیبی روش کیو است. گردآوری نظرات با روش کیفی و کشف ذهنیت‌ها با رویکرد کمی با استفاده از تحلیل عاملی کیو صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش متخصصان برنامه‌ریزی استانی در استان آذربایجان شرقی بوده و نمونه آماری تعداد ۳۰ نفر به صورت هدفمند انتخاب گردید. پس از شناسایی فضای گفتمان موجود، تعداد ۶۶ عبارت استخراج گردید. پایایی این پژوهش با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد تعیین گردید. تحلیل داده‌ها با انجام تحلیل عاملی اکتشافی نوع کیو با استفاده از نرم افزار Spss انجام گرفت. بر اساس نتایج پژوهش، الگوهای ذهنی توسعه در ۸ عامل (چالش) معرفتی؛ ضعف بینش و دانش توسعه، دیدگاه روان‌شناختی، نظام آموزشی ناکارآمد، شخصیت پرستی، ضعف فرایند نوسازی، تجدیدستیزی، ضعف مدیریتی، ضعف فرهنگ تولید، استخراج گردید. نام گذاری عامل‌ها با توجه به محتوای زیرعامل‌ها، بود.

واژگان کلیدی: توسعه، چالش‌های معرفتی، توسعه اجتماعی، برنامه ریزی، روش کیو.

مقدمه

جوامع بشری کنونی حاصل اهتمام نسل‌های پیشین خود، در راستای رشد و توسعه هستند. میزان و جایگاه کنونی کشورها در توسعه و شاخص‌های آن، بهره‌مندی و بهره‌وری از منابع طبیعی منابع مالی و منابع فکری و نیروی انسانی تابعی از شیوه‌های معرفتی، دانش و آگاهی حاصل از این شیوه‌هاست. نوع معرفت و شناختی که افراد جامعه از توسعه و پیشرفت دارند در میزان تلاش آنان و همچنین در انتخاب استراتژی‌ها و رویکردهای توسعه نقش بسزایی دارد توسعه فرایندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا با ظرفیت‌های شناخته شده متناسب شوند و طی این

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ دکتری جامعه‌شناسی، استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، (نویسنده مسئول) ebrahimpoord@iaut.ac.ir

^۳ دکتری جامعه‌شناسی، استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۴ دکتری جامعه‌شناسی، استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

فرایند سطح رفاه جامعه ارتقا می یابد. (عظیمی، ۱۳۸۴: ۴۲) مفهوم توسعه فراز و فرودهای زیادی دارد و دارای تاریخ آشفته و پیچیده و در عین حال شگفت انگیز می باشد. توسعه ابتدا در معنای زیست شناسی و طبیعی بکار می رفت و به گونه استعاره اشاره به رشد طبیعی گیاهان و حیوانات داشت؛ یعنی توسعه به معنای فرایندی بود که طی آن موجودات زنده به قابلیت های ارثی یا تکوینی خود تحقق بخشیده و به حالت طبیعی می رسیدند که زیست شناسان پیش بینی می کردند (زاکس، ۱۳۷۷: ۱۶). در اواخر قرن بیستم، رویکردهای انسان مدارانه و آزادی خواهانه توسعه ظهور کرد که چاشنی آنها را انسان، کیفیت زندگی انسان، آزادی و شکوفایی انسان شکل می دهند. (سن، ۱۳۹۴) توسعه به معنای کاهش نابرابری و توسعه به عنوان یک امر انسانی و ارتقای کیفیت زندگی انسانی غالب گردید. (توسلی، ۱۳۹۱) در عصر حاضر توسعه فرایند همه جانبه است که در بر دارنده ابعاد اقتصادی، ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می باشد (فرزاد، ۱۳۹۸: ۲۷). همچنین سبک زندگی بر توسعه اثرگذار است. مدت زمان صرف شده برای انجام فعالیت ها، نوع مصرف، الگوی تفریح، عادات سلیقه ها و اعمال افراد در زندگی روزمره، رفتارها و طرز برخورد، سبک زندگی یک فرد را شکل می دهند. از سوی دیگر شکل گیری سبک زندگی معلول شرایط زندگی اجتماعی شدن سال های آغازین زندگی موقعیت اقتصادی و اجتماعی اشد سبک زندگی همچنین به تشخیص تمایز بین افراد کمک می کند به طوری که می تواند به عنوان یک معیار برای طبقه بندی و تقسیم بندی افراد استفاده شود (بنی فاطمه، حسین و همکاران. ۱۳۹۱)

بر اساس آخرین تعاریف سازمان ملل توسعه اجتماعی فرایندی از تغییرات است که منجر به بهبود زیستن و روابط اجتماعی میشود که منصفانه تر و سازگارتر با اصول حکومت دموکراتیک و عادلانه است. توسعه اجتماعی شامل هم دستاوردهای مادی مانند سلامت، آموزش و پرورش مناسب دسترسی پایدار به منابع کالاها و خدمات برای زندگی مناسب در یک محیط قابل پذیرش و هم دستاوردهای غیرمادی با ویژگی های اجتماعی و فرهنگی مانند حس کرامت، امنیت و شمول اجتماعی و دستاوردهای سیاسی مربوط به فعالیت مشارکت و بازنمایی است (موسسه مطالعات توسعه اجتماعی سازمان ملل، ۲۰۱۶). برنامه ها و سیاست های مردم محور می تواند بهبود بهداشت و آموزش استانداردهای زندگی و کیفیت طول عمر را بدون تاکید ویژه بر رشد پولی به ارمغان آورند. به این معنی که شاخص های توسعه اجتماعی مانند آموزش و بهداشت شاخص های بهتری نسبت به GDP برای توسعه به شمار می روند (رنج پور، رضا و همکاران، ۳۸۱۳۹۲: ۳۷).

در اجلاس کنهاک (۱۹۹۵) جهت تحقق توسعه اجتماعی و با توجه به چالش های فراوان اقدام "ده مورد تأیید قرار گرفت و کشورهای امضاکننده متعهد به اقدام به این موارد شدند. این ده مورد تا حدود زیادی معنا و مفهوم توسعه اجتماعی و حیطه های مرتبط با آن را مشخص می سازند ۱- ایجاد فضای قابلیت را برای توسعه اجتماعی در سطح ملی و بین المللی ۲- تلاش برای ریشه کنی فقر ۳- تلاش برای دستیابی به اشتغال کامل ۴- تلاش در جهت دستیابی به یکپارچگی اجتماعی ۵- اقدام برای بهبود وضعیت زنان ۶- اقدام در جهت دسترسی برابر شهروندان به آموزش و بهداشت ۷- تخصیص مناسب منابع به اولویتهای توسعه اجتماعی ۸- ادغام اهداف توسعه اجتماعی در برنامه های تعدیل ساختاری ۹- تلاش برای تسریع در توسعه کشورهای آفریقایی و سایر کشورهای کم توسعه یافته ۱۰- تقویت همکاری ها برای توسعه اجتماعی از طریق نظام ملل متحد (همتی، ۱۴۰۰: ۱۲). مساله دیگر در مورد توسعه این است که در فرهنگ ما آنچه در مورد کار مهم است میزان درآمد حاصله است. شغل های مختلف دارای وجه های اجتماعی متفاوتی هستند ولی جایگاه اجتماعی مشاغل از خروجی پول آن ناشی می شود. که این امر در سبک و ظواهر زندگی تجلی پیدا می کند و این طرز فکر در کسب و کارهای اقتصادی و خانوادگی نیز نمود پیدا کرده است. (بنی فاطمه، حسین ۱۳۹۶: ۱۴).

در حالت کلی در گفتمان و ادبیات چالش ها و موانع فکری و نگرشی توسعه اجتماعی، تحقیقات محدودی انجام شده و دانش کافی در مورد الگوهای ذهنی این بعد از توسعه اجتماعی وجود ندارد. در حالی که چالش های فکری و موانع نگرشی و ادراکی و احساسی مسئولان برنامه ریزی توسعه، برای انتخاب مسیر توسعه اجتماعی ضروری است. به لحاظ اهمیت توسعه و توسعه اجتماعی

در زمان معاصر ایران، می‌توان گفت که یک حالت رو به رشد توسعه اجتماعی برای رسیدن به نقطه مطلوب ضروری بوده و باید در مورد فاکتورهای ذهنی این مساله تحقیقاتی صورت گیرد. الگوهای ذهنی و تجارب کسب شده توسط مسئولان برنامه ریزی می‌تواند یکی از موضوعات پژوهشی مهم در بهبود توسعه و توسعه اجتماعی باشد و در صورت شناسایی الگوهای ذهنی مسئولان می‌توان علاوه بر توسعه ادبیات این بخش، از آن الگوها در اتخاذ تصمیمات برای برنامه‌ریزی‌ها و شاخص‌های آن و ارائه راهکارهای مفید در توسعه بهره‌مند شد.

پژوهش حاضر با هدف پر نمودن بخشی از خلاهای پژوهشی در حوزه چالش‌های معرفتی توسعه، تلاش دارد در حوزه توسعه اجتماعی با کاوش در ذهنیت افراد اثرگذار و نخبگان برنامه‌ریزی برای توسعه اجتماعی، به دغدغه‌ها و موانع فکری توسعه دست یابد. دغدغه اساسی این پژوهش ادراک و احساس و باورهای مسئولان برنامه‌ریزی استان است. در همین راستا توجه به ماهیت موضوع و هدف تحقیق، روش کیو جهت کشف و شناسایی الگوهای ذهنی مسئولان برنامه‌ریزی در ارتباط با چالش‌های معرفتی توسعه اجتماعی انتخاب شد تا از پشتوانه تئوریک - تجربی به صورت هم‌زمان برخوردار باشد و از این طریق بتواند با شناسایی موانع فکری و معرفتی، سهولت اتخاذ تصمیمات در حوزه توسعه اجتماعی را ارتقا بخشد.

در کشور ما گام‌های مهمی در جهت توسعه اجتماعی برداشته شده است و لذا تا رسیدن به نقطه آرمانی فاصله هست. در ایران معاصر مردم سطح و میزان توسعه در عرصه‌های مختلف را کافی نمی‌دانند. ایده‌هایی در ذهن خود برای رسیدن به نقاط مطلوب دارند و همچنین موانع و چالش‌هایی در شناخت و معرفت توسعه وجود دارد. برای رسیدن به نقطه مطلوب، راهکارهای متفاوتی هم ارائه می‌دهند؛ دلیل تفاوت در راه حل‌ها و راهکارها از یک سو وابسته به شرایط سیاسی و اقتصادی اجتماع و بسترهای اقلیمی و فرهنگی و از سوی دیگر مربوط به چالش‌های ذهنی است که این پژوهش درصدد دستیابی و شناسایی این چالش‌ها و تحلیل و بررسی آنان می‌باشد. پژوهش حاضر با مرور ادبیات موجود در زمینه ابعاد موانع معرفتی توسعه اجتماعی به دنبال کشف نگرش و احساس و ادراک مسئولان برنامه‌ریزی در خصوص چالش‌های معرفتی توسعه اجتماعی است. در همین راستا سؤالاتی که این پژوهش در جهت پاسخ به آنها است عبارتند از:

چالش‌های معرفتی توسعه کدام‌اند و چه تاثیری در روند توسعه اجتماعی دارد؟ چالش‌های معرفتی توسعه چه سنخیتی با فرهنگ توسعه دارد؟

پیشینه نظری

چند عنصر اساسی در الگوی توسعه انسانی مورد نظر قرار می‌گیرد که عبارتند از: اول، بهره‌وری، به معنی ارتقاء سطح کارایی افراد جامعه است به گونه ای که در فرآیند درآمدزایی و اشتغال، مشارکت فعال داشته باشند. بر این مبنا، رشد اقتصادی یکی از زیر مجموعه‌های الگوی توسعه انسانی است. دوم، برابری، یعنی مردم باید از بخت مساوی برای دسترسی به فرصت‌ها برخوردار باشند. سوم، پایایی، باید دسترسی به فرصت‌ها نه تنها برای نسل حاضر که برای نسل‌های بعدی هم تضمین شود. چهارم، توانمندسازی: توسعه باید توسط مردم صورت گیرد نه برای مردم. آنها باید در جریان تصمیمات و فرآیندهایی که زندگی آنها را شکل می‌دهد، مشارکت داشته باشند. بنابراین باید فرصت ایجاد این توانمندی برای مردم فراهم شود (منصوری، ۱۳۷۹).

دفتر امور اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد در گزارشی با عنوان تأمین مالی توسعه اجتماعی، توسعه اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: توسعه اجتماعی یا پیشرفت اجتماعی به رفاه افراد و کارکرد سازگار جوامع اشاره دارد. توسعه اجتماعی در برگیرنده تلاش‌ها مسائل علایق و بخش‌های توسعه و همچنین چشم انداز اجتماعی برای ملاحظه حوزه‌های فعالیت انسانی است. چشم انداز اجتماعی فرد را در ارتباط با جامعه می‌بیند، ابعاد متنوع نیازهای انسان را در نظر می‌گیرد. بین اهداف و ابزارها تمایز دقیق قائل می‌شود و براتی جستجوی کالای عمومی نوع انسانی حساسیت دارد (سازمان ملل، ۲۰۲۰، نقل از جباری، ۱۳۸۲).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، توسعه امنیت اجتماعی را ایجاد می‌کند. چنانچه از مفهوم امنیت پیداست، امنیت برآیند اجتماعی داشته و همه نهادهای اجتماعی در تولید آن نقش دارند. امنیت اجتماعی زاده و مولود ساختارهای اجتماعی است. از نظر سیف‌اللهی (۱۳۹۰): «امنیت را باید برحسب بازیگران، گروه‌ها، سازمان‌ها، ساختارها و ملیت‌ها دید. عدم مداخله و یا عدم تهدید موقعیت و یا وضعیت اجتماعی یک نظام اجتماعی از سوی عوامل درون جامعه‌ای، منطقه‌ای و یا جهانی را، امنیت اجتماعی باید اطلاق کرد». یا به تعبیر دیگر امنیت اجتماعی «به قلمروهای از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه می‌باشد و به نظام سیاسی و دولت مربوط می‌شود. این قلمروها می‌توانند زبان، نژاد، قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی، کار، درآمد، رفاه، مشارکت سیاسی، آزادی و اعتقاد باشد» (مجردی، ۱۳۹۱: ۵۵). به همین لحاظ است که دورکیم برای آوردن نظم و استقرار امنیت به ساخت اجتماعی ارگانیک که مبتنی بر تقسیم کار باشد تمرکز می‌نماید. وی تقسیم کار را عامل بقای جوامع میدانند. توسعه در زمینه‌ها و عرصه‌های سپهر عمومی، تقویت جوامع و تداوم آنها را بدنبال دارد. تالکوت پارسنز در نظریه کنش اجتماعی خویش به‌طور ضمنی با تفکیک چهار بعد از امنیت؛ یعنی امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نقش هنجارهای اجتماعی را در تداوم حیات اجتماعی و برقرار نظم در جامعه مهم می‌پندارد. (محمودی اصل، ۱۳۹۰) از سال ۱۹۶۰ به بعد مفهوم توسعه فراتر از رشد اقتصادی در حوزه اجتماعی جا باز کرد و در سال ۱۹۶۲ شورای اقتصادی سازمان ملل متحد افزون بر جنبه اقتصادی توسعه به جنبه اجتماعی آن نیز توجه کرد. پس از آن در سال مؤسسه تحقیقات اجتماعی سازمان ملل متحد تأسیس گردید. در اولین دهه توسعه سازمان ملل (۱۹۶۰-۱۹۷۰) شعار این بود که «مسئله کشورهای کم توسعه یافته، توسعه است و نه فقط رشد... رشد عبارت از رشد به علاوه دگرگونی. دگرگونی هم نه فقط جنبه اقتصادی و کمی؛ بلکه جنبه اجتماعی، فرهنگی و کیفی هم دارد... مسئله اصلی را باید بهبود کیفیت زندگی دانست (زاکس، ۱۳۷۷: ۲۴).

دکتر دال سیونگ یو در مقاله «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی: مطالعه تطبیقی کره و ایران» توسعه سیاسی را به موضوع مشارکت نهادی و همراه با رقابت محدود می‌سازد و معیار توسعه سیاسی را مبتنی بر اصول دموکراسی غربی قرار می‌دهند، وی «توسعه سیاسی» را به مثابه دموکراتیزه شدن سیاست می‌پندارد که در دو سطح قابل تحلیل می‌باشد:

۱. در سطح نهادها و تأسیسات سیاسی: در این سطح دموکراتیزه شدن سیاست به مفهوم ساختار سیاسی به کار می‌رود که دربردارنده حاکمیت سیاسی، حکومت قانون، ارگان‌های مشارکت مردم، آزادی‌های سیاسی و پذیرش تکثر در ارزش‌ها و گروه‌ها و تساهل سیاسی می‌باشد.

۲. در سطح عملکرد سیاسی: در اینجا دموکراتیزه سیاست به عنوان فرهنگ سیاسی تلقی می‌شود که شامل: تشویق مشارکت مستقل و فعال، حضور ارزش‌های دموکراتیک، وجود گرایش‌های رقابتی و اعتقاد به لزوم توزیع قدرت می‌باشد. (یو، ۱۳۷۷) پیر بوردیو نیز به رابطه بین ساختارهای عینی (امنیت) و ساختارها یا پدیده‌های ذهنی (احساس امنیت) تأکید کرده و اعتقاد دارد از یکسو ساختارهای عینی بر گه‌های ذهنی را شکل می‌دهد و از سوی دیگر بر گه‌های ذهنی ساختارهای عینی را حفظ و تغییر می‌دهد (هزارجریبی، ۱۳۹۰). پس امنیت اجتماعی، فضای عجین با رویدادهای ذهنی و عینی است که در آن شرایط ایمنی و به‌دوراز مخاطرات حاکم بوده و موجب احساس امنیت و اطمینان خاطر کنشگران آن فضا می‌شود که امنیت در سایه توسعه در ابعاد و مولفه‌های گوناگون است. مفهوم توسعه بیش از مولفه‌های عینی، از بعد ذهنی، برداشت‌ها و طرز تلقی افراد و نگرش‌شان از توسعه سرچشمه می‌گیرد. توزیع متناسب منابع در میان بخش‌های مختلف جامعه و توجه داشتن به توسعه اجتماعی، در معنای فراهم نمودن امکانات اولیه بهداشتی و آموزشی جوامع، در بلندمدت می‌تواند تأثیر مهم و زیادی بر توسعه داشته باشد. اغلب کشورهای در حال توسعه در سپری نمودن مراحل توسعه ای خود به توسعه اجتماعی توجه زیادی داشته اند. بنابراین توسعه فقط محدود به مقوله رشد و درآمد نیست. رشد و درآمد بالا از ملزومات مهم کاهش فقر است؛ اما تنها فاکتور نیست. برخی کشورها با وجود رشد اقتصادی به نسبت زیاد همچنان در فقر باقی مانده اند. (Bourguignon: 2003: 8). از سوی دیگر کارها

و فعالیت‌های ذهنی، با بهره‌گیری از تجارب فیزیکی، سازماندهی اجتماعی، تعامل اجتماعی و اطلاعات موجود، اصول و قواعد مشترک و اساسی را برمی‌گزینند و از ترکیب آن‌ها دانش مفهومی را به وجود می‌آورد. از این دانش در تمام زمینه‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها می‌توان استفاده نمود. بالاترین و هشیارانه‌ترین توانایی بشر همان فکر مفهومی و دانش و بینش مربوط به آن است و سازماندهی کردن ایده‌ها با قدرت فکر، دانش مفهومی را شکل می‌دهد و زمانی که همه ایده‌ها سازماندهی شوند، یک نیروی قدرتمند به وجود می‌آید. نظریه نیز سازماندهی نظام یافته علم و دانش است.

مفهوم توسعه در رویکرد مارکسیستی

در این رویکرد بحث توسعه‌ی اجتماعی اساساً بر ارزشهای مبتنی بر مساوات تاکید می‌شود. برای مثال دونگ کیم^۱ توسعه‌ی اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به اکثریت مردم محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را می‌دهد بلکه در جهت رسیدن به آن هدف، آنان را یاری می‌کند. از نظر او اگر تغییر ساختاری جامعه در مسیری باشد که فرصتهای لازم برای دستیابی به سهم خود از منابع ملی را در اختیار آنها قرار می‌دهد، این مسیر دراصل همان فرآیند توسعه است. در واقع فرآیند توسعه‌ی اجتماعی از این دیدگاه فرآیندی عاری از استثمار و استثمار خارجی در جامعه است. (ناطق پور، ۱۳۸۶: ۴۰)

مفهوم توسعه در رویکرد قابلیت انسانی^۲

با پدید آمدن دیدگاه توسعه انسانی در دهه‌ی ۱۹۹۰ انسان، در فرآیند توسعه محوریت می‌یابد. در بسط و جرح و تعدیل این دیدگاه، رویکرد قابلیت انسانی شکل می‌گیرد. که یکی از متاخرترین رویکردها در تولید نظریه‌ی توسعه و توسعه‌ی اجتماعی است که در آن کرامت انسان، به مثابه هدف و غایت توسعه شناخته می‌شود. برجسته‌ترین نماینده‌ی این رویکرد آمارتیا کومار سن است، از نظر او توسعه از جایی آغاز می‌شود که به حقوق اساسی فرد و جامعه اعتنا می‌شود، فرد و جامعه در فرآیندهای توسعه کنشگران فعال باشند. منظور او از کنشگران فعال «افرادی است که عوامل فعال تغییر به حساب می‌آیند نه دریافت کنندگان منفعل نافع حاصل از تغییر». از این رو سن شرط تحقق توسعه را حقوق مداری و مشارکت محوری^۳ می‌داند. به عبارتی از نظر او توسعه مستلزم گسترش و دوام آزادی است (سن، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۱۱۱).

رشد اقتصادی شرط لازم توسعه اقتصادی است اما شرط کافی نیست. توسعه اقتصادی دربردارنده بهبود وضعیت اقتصادی نظیر افزایش درآمد ملی، بالا بردن سطح زندگی مردم و تأمین رفاه اجتماعی می‌باشد. توسعه اقتصادی به معنای واقعی هدفی است که سیاست اقتصادی خاصی را پی ریزی می‌نماید (روشه، ۱۳۹۵: ۱۶۵) لوئیس در سال ۱۹۵۵ خاطرنشان کرد که «مسئله ما رشد است و نه توزیع» (لوئیس ۱۹۹۵). وی برای اینکه کشورهای توسعه نیافته به رشد اقتصادی برسد اظهار می‌دارد که «راه توسعه، رشد اقتصادی به شیوه سرمایه‌داری است و راه تحقق آن توزیع درآمد از طریق جابجایی نیروی کار از بخش معیشتی به بخش سرمایه‌داری و ایجاد بورژوازی صنعتی و تضمین پیوسته تسلط آن بر قدرت دولت است» (عنبری، ۱۳۹۳: ۶۱).

پیتر دورنر گسترش امکانات و پرورش قابلیت بشری را که برای رهایی از فقر، کاهش بیکاری و نابرابری به کار می‌رود، در توسعه اقتصادی ضروری می‌پندارد. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷). شومپتر^۳ توسعه اقتصادی را به مثابه پیشرفت فناوری می‌داند. فرانسوا پرو^۴ دانشمند معروف فرانسوی توسعه اقتصادی را ناشی از تغییرات روحی و اجتماعی قوم و یا ملتی می‌داند که در نتیجه آن قدرت تولیدی سیستم اقتصادی در یک جبهه وسیع پیوسته و مداوم افزایش می‌یابد (اقتداری، ۱۳۵۴). به باور ویلیامسون توسعه فرایندی

^۱ Dong Kim

^۲ Human capability approach

^۳ Schumpeter

^۴ Fracocis Perroux

است که در آن تحولات ارزشی و نهادی، زمینه لازم را برای کارکرد اقتصاد بازار و توسعه شتابان صنعتی فراهم آورد (ویلیامسون، به نقل موسایی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

ماکس وبر نیز در کتاب «اخلاق و پروتستان و روح سرمایه داری» مهر تأیید بر نقش فرهنگ در تحول اجتماعی می گذارد و خاطرنشان می سازد که اخلاق پروتستان زمینه ظهور سرمایه داری را در جهان غرب فراهم ساخت (وبر، ۱۳۹۷). رونالد اینگلهارت، بر دگرگونی فرهنگی تحت تأثیر توسعه اقتصادی تأکید می کند. او معتقد است که صنعتی شدن، سبب تغییر جامعه از ارزش های سنتی به ارزش های عقلایی و سکولار شد. اما ظهور جامعه پسا توسعه یا فراصنعتی، تغییر از ارزش های اقتصادی «بقا»^۱ را به ارزش های فرهنگی «خود اظهاری» نظیر تساهل، اعتماد، آسایش و ارزش های فرامادی بیشتر نشان می دهد: اینگلهارت از تحویل اقتصاد سیاسی به سوی فرهنگ سیاسی و فرهنگ مدنی به مثابه شکل محسوس تغییر از عوامل و منابع اقتصادی تحولات اجتماعی^۲ به عوامل و منابع فرهنگی تغییر اجتماعی یاد می کند (اینگلهارت، ۱۳۹۱: ۹۴).

رابرت مک فارلند و یاکونبر معتقدند زیرساختارهای روانشناختی: انرژی اجتماعی، آرزو و اشتیاق، رویکردها و ارزش هایی است که جامعه را پذیرای ایده های جدید و واکنش به فرصتها، اراده تغییر کار شدید و پویایی می کند که لازمه ارتقاء به سطوح بالاتری از توسعه به شمار می آیند (گری یاکونبر و رابرت مک فارلند: به نقل از کتاب توسعه اجتماعی، ۱۱۰).

در نظریه تودارو توسعه جریان چند بعدی است که لازمه تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، برداشت عامه مردم و نهادهای ملی، کاهش نابرابری تسریع رشد اقتصادی و ریشه کن نمودن فقر مطلق است. مایکل تودارو معتقد است تجربه مردمان دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی بیانگر این است که سطح زندگی مردم در برخی کشورهای جهان سوم در اکثر زمینه ها علی رغم توفیق نسبی در اجرای طرح های توسعه سازمان ملل، بدون تغییر باقی مانده است. فقر و بیکاری در چارچوب یک اقتصاد در حال رشد توسعه مجدد تعریف شده است (تودارو: ۱۳۶۶، ۱۳۳) در نظریه وی ذهنیت و نوع برداشت افراد می تواند عامل موثری در موفقیت یا عقیم ماندن طرح های توسعه باشد.

پیشینه تجربی

میرفردی و همکاران (۱۳۹۷) تحقیقی را با عنوان تحلیل موانع توسعه اجتماعی در ایران از دیدگاه اعضای هیأت علمی جامعه شناسی دانشگاه های دولتی بررسی کردند. نتایج مطالعه آن ها نشان داد که از دیدگاه کارشناسان دانشگاهی موانع اقتصادی؛ سیاسی؛ فرهنگی و اجتماعی به ترتیب به عنوان مهمترین موانع توسعه اجتماعی در ایران ارزیابی شدند. به صورت مصداقی شبکه ی فساد، اقتصاد دولتی و نبود شایسته سالاری به ترتیب به عنوان مهمترین موانع توسعه اجتماعی در کشور بوده اند. نتیجه اینکه موانع اقتصادی و سیاسی به عنوان مهمترین بازدارنده های توسعه اجتماعی معرفی شده اند.

جعفری و قنبری (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان «مطالعه موانع توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که تا علت توسعه نیافتگی مشخص و راه صحیح انتخاب نشود، هر گونه گشایشی در واردات، توسعه نیافتگی را عمیق تر می کند. تأثیر اقتصاد غیر رسمی را نیز می توان در وابستگی شدید به رانت های دولتی، به عنوان منبع اصلی درآمد اشاره کرد. مادامی که درآمدهای نفتی ادامه دارد، دولت ها تنها با آن دسته از تقاضاهای مردم پاسخ خواهند داد که برای حفظ قدرت و موقعیتشان ضروری باشد در حالیکه توسعه اقتصادی از طریق نفت می تواند پیش درآمدی برای توسعه سیاسی، اجتماعی و نهادسازی برای جامعه ای دموکراتیک باشد.

^۱ Survival

^۲ Self-expression

پرناک و دیگران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه اثر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک» به بررسی تاثیر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای عضو اوپک با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی در دوره ۲۱۵۵-۵۱۱۱ پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی اثر منفی و معنی داری بر شاخص حکمرانی خوب داشته و حاکی از تاثیر منفی و معنادار درآمدهای نفتی بر شاخصهای کنترل فساد، ثبات سیاسی و اعتراض و پاسخگویی است. از سوی دیگر، درآمدهای نفتی بر روی اثربخشی دولت و کیفیت قوانین اثر منفی و روی قانون مداری اثر مثبت داشته، اما این تاثیرات معنادار نبوده است.

- امام جمعه‌زاده و منفرد (۱۳۸۳) در تحقیق خود نشان دادند که وجود فرهنگ پدر سالاری، فقدان اندیشه سیاسی چالشگر و نبود زمینه‌ها و بسترهای فکری جهت تحول نظام سیاسی، ساختار قبیله ای جامعه، فقدان نهادهای سیاسی و اقتصادی مستقل از حکومت و... موانع تاریخی توسعه نیافتگی سیاسی ایران می‌باشند.

پلاجرسون^۱ و همکارانش (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست اجتماعی در آفریقای جنوبی: حرکت به سمت توسعه اجتماعی»، انعکاس خط‌مشی‌های سیاست اجتماعی در آفریقای جنوبی از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۷ را مورد بررسی قرار داده‌اند. توسعه اجتماعی همواره یکی از مسائل چالش‌برانگیز و تنش بار جریان‌های سیاسی متفاوت در حوزه‌های مختلفی چون: قانون‌گذاری، شکل قراردادهای اجتماعی، برنامه‌ریزی اجتماعی و به کارگیری آنها، مسائل مهم جنسیتی و به کارگیری بخش خصوصی در سیاست اجتماعی بوده است. در این پژوهش به‌طور کلی چند عامل در ارتباط با توسعه اجتماعی مناطق جنوبی فقیرنشین استخراج شده‌اند که عبارت‌اند از: اهمیت اصول قانونی به‌عنوان رویکردی در خصوص پیشبرد وعده‌های اقتصادی- اجتماعی، ظهور قراردادهای اجتماعی جدید در مکان‌هایی که اشتغال غیررسمی و بیکاری جدی وجود دارد و درنهایت نفوذ مالی و عوامل سازمانی قدرتمند در رهبری سیاست اجتماعی و به کارگیری آن.

سوک‌ها^۲ و همکارانش (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «تلاش معلمان برای تسهیل توسعه اجتماعی دانش‌آموزانی از فرهنگ‌های مختلف» تلاش کرده‌اند تا نقش معلمان ابتدایی در توسعه اجتماعی دانش‌آموزان با فرهنگ‌های متفاوت را مورد مطالعه قرار دهند. آن‌ها نتیجه گرفته‌اند که توسعه اجتماعی دانش‌آموزان با فرهنگ‌های متفاوت تحت تأثیر پذیرش و نگاه مثبت معلمان نسبت به آن‌ها و تجربه تدریس به فرهنگ‌های متفاوت برای برطرف کردن فشار آموزش می‌باشد. درک از طریق تجربه یکی از عواملی بود که در این مطالعه برای معلمان با هدف تسهیل توسعه اجتماعی دانش‌آموزان با فرهنگ‌های متفاوت مورد تأکید قرار گرفت. نقش و برخورد معلمان در این پژوهش به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تسهیل توسعه اجتماعی مورد تأکید و توجه بوده است.

با توجه به اهمیت توسعه در ابعاد مختلف جامعه انسانی، جامعه ایران نیز در دو دهه اخیر به دنبال دستیابی به توسعه بوده است. به لحاظ تاریخی روند توسعه از دوره قاجار با اقدامات روشنفکران مشروطه خواه آغاز و با ورود مدرنیته در دوره پهلوی ادامه یافت. اما با پیدایش انقلاب اسلامی، تعریف توسعه که در دو دهه قبل در انطباق کامل با جوامع غربی بود، صورت متمایزی به خود گرفت. با توجه به آنچه مطرح گردید و پیشینه پژوهش‌های انجام یافته آنچه در این پژوهش مدنظر است بیشتر عوامل معرفتی و جامعه شناختی توسعه و نقش آن در توسعه اجتماعی ایران معاصر می‌باشد. بنابراین در این راستا این تحقیق به دنبال این است که نقش چالش‌های معرفتی توسعه را بر روند توسعه اجتماعی بررسی کند

روش تحقیق

در تحقیقاتی که هدف مطالعه ذهنیات، اعتقادات، دیدگاه‌ها، گرایش‌ها و عقاید فردی باشد؛ مطالعات بهتر است به صورت نظام‌مند

¹ Sophie Plagerson

² suk Ha

با استفاده از روش های ترکیبی مانند روش کیو صورت گیرند. تحقیقات ترکیبی، پژوهش هایی هستند که با ترکیب دو مجموعه داده های کمی و کیفی انجام می شوند. با این رویکرد روشی، نتایج قابل قبول تری تحقیق بدست می دهند و محدودیت های طرح های تحقیقاتی کمی و کیفی را مرتفع می سازند. (بازرگان، ۱۳۸۷). روش شناسی کیو، راهبرد تحقیقی است که ابتدا عقاید و ادراک افراد را شناسایی کرده و طبقه بندی نماید و در مرحله بعد افراد را بر اساس ادراک و عقایدشان رتبه بندی کند. در این روش محقق به دنبال اندازه گیری خصوصیات افراد نیست بلکه می خواهد افراد، ذهنیت های خود را درباره یک موضوع خاص بیان نمایند (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶). شرکت کنندگان در این نوع روش، موظف به رتبه بندی و مرتب سازی بر اساس مجموعه ای از پیش تعریف شده با عنوان عبارات کیو هستند. که این عبارات از فضای گفتمان موضوع به دست آمده و سپس مورد تجزیه و تحلیل آماری و تفسیر توسط پژوهشگر قرار می گیرد. فضای گفتمان این تحقیق بر اساس مجموعه کاملی از ادبیات موضوع مطالعه، مقالات علمی، مجلات، روزنامه ها، متن های ادبی و سایر منابع رسانه ای و همچنین انجام روش های کیفی مصاحبه، بحث گروهی متمرکز بود. در این تحقیق با ارزیابی و جمع بندی محتویات فضای گفتمان، حدود ۹۰ عبارت کوتاه به عنوان نمونه کیو به دست آمد که پس از حذف عبارت های مشابه و تکراری تعداد ۶۶ عبارت نهایی (نمونه کیو) در نظر گرفته شد. جامعه آماری و نمونه آماری: جامعه آماری متخصصان برنامه ریزی و اساتید دانشگاه هستند که حجم نمونه با روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۳۰ نفر بعنوان نمونه افراد مشارکت کننده انتخاب شدند. گروه مشارکت کنندگان در این روش افرادی هستند که نمونه کیو را در جدول مربوط به آن دسته بندی می کنند روش انتخاب نمونه بصورت نمونه گیری هدفمند بود. تعداد نمونه بر اساس رابطه $Q < n < 2/Q$ محاسبه می شود (واتر استنسر، ۲۰۱۲) در این رابطه Q تعداد عبارت های کیو و n حجم نمونه است. با عنایت به اینکه مطالعه کیو چگونگی توزیع افراد را در الگوهای ذهنی مد نظر ندارد؛ بلکه اثبات وجود الگوی ذهنی مورد نظر است.

اعتبار و روایی: با هدف انجام روایی صوری و محتوایی کارت ها یا گزاره های کیو در اختیار تعداد ۸ نفر از صاحب نظران قرار گرفت و سپس با تکمیل جداول آن به صورت پایلوت، نظرات و توصیه های آنان برای روایی کارت ها یا گزاره ها اعمال شد. روایی صوری با بررسی میزان رضایت مشارکت کنندگان به ظرفیت و قابلیت عبارات برای بیان ذهنیت آنان امکان پذیر است. در مرحله ارزش گذاری کارت ها در نمودار به وسیله مصاحبه، این سوال مطرح شد که آیا در عبارات موجود به ابعاد مختلف موضوع پرداخته شده است؟ و از دیدگاه آنان عوامل اصلی یا فرعی هستند که از قلم افتاده باشند؟ چه گزاره هایی لازم است به کارت ها افزوده شود؟ پایایی تحقیق با روش آزمون-باز آزمون صورت گرفت و در رتبه بندی آن در دو زمان مختلف با ضریب همبستگی ۸۰٪ بدست آمد. مرحله تحلیل عاملی توسط نرم افزارهای ویژه و SPSS صورت گرفت و پس از مشاهده ماتریس تحلیل عاملی با هدف تفسیر عوامل از نظر آماری، امتیازی که مشارکت کنند کیو تعلق داده اند؛ در خروجی نرم افزار وجود دارد. در فاز آخر با توجه به بارهای عاملی و امتیازات کسب شده و همچنین نتایج مستخرج از مصاحبه های پایانی، بیان تفسیر نهایی صورت می گیرد و دیدگاه ها در قالب الگوهای ذهنی کد بندی شده آشکار می شوند. در این پژوهش با توجه به هدف تحقیق و همچنین معیار تفسیر پذیر بودن عامل ها، ۸ عامل (چالش) معرفتی: ضعف بینش و دانش توسعه، دیدگاه روان شناختی، نظام آموزشی ناکارآمد، شخصیت پرستی، ضعف فرایند نوسازی، تجدیدستیزی، ضعف مدیریتی، ضعف فرهنگ تولید شناسایی و کشف شد. به سبب عقاید مشترک و نقطه نظرات اشتراکی، در دسته بندی های جداگانه قرار می گیرند. نام گذاری عامل ها با توجه به محتوای زیر عامل ها صورت گرفت.

جدول ۱: توزیع جنسیت پاسخگویان

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۹	۶۳/۳
زن	۱۱	۳۶/۷
جمع کل	۳۰	۱۰۰

جدول ۲: توزیع سن پاسخگویان

سن پاسخگویان	فراوانی	درصد
۲۵ الی ۳۵	۷	۲۳/۳
۳۶ الی ۴۵	۱۵	۵۰
۴۶ الی ۵۵	۶	۲۰
بالا تر از ۵۵	۲	۶/۷
جمع کل	۳۰	۱۰۰

جدول ۳: توزیع تحصیلات پاسخگویان

تحصیلات	فراوانی	درصد
لیسانس	۶	۲۰
فوق لیسانس	۱۳	۴۱/۷
دکتری	۱۱	۳۸/۳
جمع کل	۳۰	۱۰۰

جدول ۴: توزیع شغل پاسخگویان

نوع شغل	فراوانی	درصد
مدیران دولت	۲۵	۸۳/۳
اساتید دانشگاه	۵	۱۶/۷
جمع کل	۳۰	۱۰۰

یافته‌های پژوهش

در این تحقیق با ارزیابی و جمع‌بندی محتویات فضای گفت‌وگو، حدود ۳۰ عبارت کوتاه به عنوان نمونه کیو به دست آمد که نمونه کیو در جدول زیر نشان داده شده است. سپس تمامی عبارات روی کارت‌های کیو درج و مجموعه کیو جهت اجرا بدست آمد که این عبارات در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵: جدول عبارات‌های نهایی چالش‌های معرفتی توسعه

شماره	چالش‌های معرفتی توسعه
۱	نبود زمینه‌ها و بسترهای فکری و قدرت تفکر منسجم و سازمان‌یافته
۲	عدم مدیریت صحیح منابع کشور در حوزه نیروی انسانی
۳	کم سواد و نقص نظام آموزشی
۴	کمی رشد اخلاق و فرهنگ توسعه
۵	اشاعه فرهنگ غربی بدون بومی کردن آن
۶	مقاومت سنت در مقابل نوگرایی و مدرن شدن
۷	فقدان حاکمیت علم و نگرش علمی
۸	نازل بودن مقام فکر و اندیشه
۹	ضعیف بودن اهداف جمعی
۱۰	کج فهمی در معنای تجدد
۱۱	بها دادن زیاد به داورهای دیگران نسبت به خود

شماره	چالش های معرفتی توسعه
۱۲	همرنگی با جماعت
۱۳	عدم برنامه ریزی و ضعف امید به آینده
۱۴	شخصیت پرستی
۱۵	خلقیات چاپلوسانه
۱۶	تعارضات فرهنگی و سیاسی
۱۷	وجود روحیه واسطه گری و عدم اراده و روحیه عمومی برای تولید
۱۸	عدم هماهنگی تجدد با ارکان جامعه
۱۹	عدم هماهنگی نوسازی با ارزش های جافتاده جامعه
۲۰	ضعف انگیزه لازم برای پیشرفت در افراد
۲۱	ضعف اساسی در انتقاد و خودانتقادی
۲۲	بی سوادی یا کم سوادی عمومی
۲۳	فرهنگ نامولد
۲۴	عدم حمایت واقعی از نخبگان
۲۵	حقوق شهروندی سفارشی و شهروندان بی تفاوت
۲۶	روحیه سازشگری و ضعف حق طلبی
۲۷	فرهنگ قوم گرا
۲۸	تعصب
۲۹	ضعف فرهنگ سیاسی
۳۰	عدم حاکم بودن فرهنگ کار

جدول ۶: رتبه بندی کیو



برای شناسایی الگوهای ذهنی، رتبه بندی و مرتب سازی کیو انجام شده توسط مشارکت کنندگان از تحلیل عاملی استفاده شد. جهت انجام تحلیل عاملی نیز از ماتریس همبستگی استفاده شد. عامل ها به وسیله روش مولفه اصلی استخراج شدند و به وسیله واریماکس چرخش یافتند. روش تحلیل عاملی اصلی ترین روش برای تحلیل ماتریس داده های کیو است. داده های پژوهش پس از تحلیل نه الگوی ذهنی را درباره عوامل چالش های معرفتی توسعه و آرایه های عاملی الگوهای ذهنی مشخص گشت.

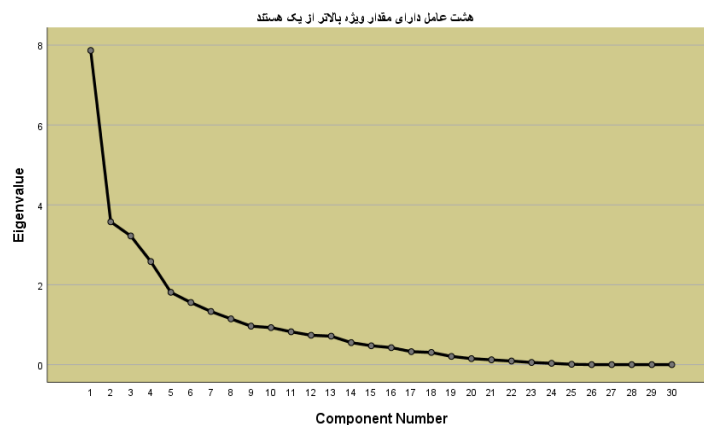
جدول ۷ مقدار واریانس کل تبیین شده مربوط به چالش های معرفتی توسعه را نشان می دهد. با توجه به دیدگاه افراد درباره چالش های معرفتی توسعه، جمعاً ۸ عامل که مقادیر ویژه آن بالای ۱ می باشند، شناسایی و این ۸ عامل در مجموع حدود واریانس کل تبیین شده را تبیین و پوشش می دهند. براساس این جدول عامل (الگوی ذهنی) اول با ۲۶ درصد بیشترین و الگوی ذهنی هشتم

با ۴ درصد کمترین مقدار واریانس کل را تشکیل می‌دهند. همچنین در نمودار (۱-۴) سنگریزه عامل‌های با مقادیر ویژه بالای یک یا همان دیدگاه‌های اصلی (۸ الگوهای ذهنی) کاملاً مشخص هستند. این نمودار مهمترین مشارکت کنندگان را بر اساس میزان واریانس تبیین شده نشان می‌دهد.

جدول ۷: مقدار واریانس کل تبیین شده

مجموع مجذورات بارهای عاملی استخراج شده

عامل	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۷/۸۶	۲۶/۲۱	۲۶/۲۱
۲	۳/۵۷	۱۱/۹۲	۳۸/۱۴
۳	۳/۲۲	۱۰/۷۴	۴۸/۸۸
۴	۲/۵۸	۸/۶	۵۷/۴۸
۵	۱/۸۱	۶/۰۳	۶۳/۵۲
۶	۱/۵۵	۵/۱۸	۶۸/۷
۷	۱/۳۳	۴/۴۳	۷۳/۱۴
۸	۱/۱۴	۳/۸۱	۷۶/۹۶



نمودار ۱: نمودار سنگریزه

جدول ۸ ماتریس چرخش یافته عامل‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به این ماتریس، افرادی که در هر یک از این ۸ الگوی ذهنی قرار می‌گیرند مشخص شده‌اند. با توجه به جدول زیر، مشارکت کنندگان شماره ۱، ۵، ۹، ۱۰، ۱۱، ۲۸، ۲۹ و ۳۰ به طور مشترک الگوی ذهنی اول، مشارکت کنندگان شماره ۳، ۷، ۱۷، ۲۶ به طور مشترک الگوی ذهنی دوم، مشارکت کنندگان شماره ۸، ۱۶، ۲۷ به طور مشترک الگوی ذهنی سوم، مشارکت کنندگان شماره ۲، ۶، ۱۹، ۲۰ به طور مشترک الگوی ذهنی چهارم، مشارکت کنندگان شماره ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۵ به طور مشترک الگوی ذهنی پنجم، مشارکت کنندگان شماره ۴، ۱۳، ۲۴ به طور مشترک الگوی ذهنی ششم، مشارکت کنندگان شماره ۲۲، ۲۳ به طور مشترک الگوی ذهنی هفتم و مشارکت کنندگان شماره ۱۵ و ۱۸ به طور مشترک الگوی ذهنی هشتم را تشکیل می‌دهند.

جدول ۸: ماتریس بارهای عاملی چرخش یافته چالش های معرفتی توسعه

مشارکت کنندگان	دیدگاه اول	دیدگاه دوم	دیدگاه سوم	دیدگاه چهارم	دیدگاه پنجم	دیدگاه ششم	دیدگاه هفتم	دیدگاه هشتم
۱	۰/۶۰۸							
۵	۰/۸۳۶							
۹	۰/۸۷۰							
۱۰	۰/۵۰۶							
۱۱	۰/۶۹۴							
۲۸	۰/۸۷							
۲۹	۰/۵۰۶							
۳۰	۰/۶۹۴							
۳		۰/۶۹۵						
۷		۰/۹۰۸						
۱۷		-/۶۸۲						
۲۶		۰/۹۰۸						
۸			۰/۸۲۱					
۱۶			-/۶۲۶					
۲۷			۰/۸۲۱					
۲				۰/۷۰۱				
۶				۰/۵۴۰				
۱۹				۰/۷۱۳				
۲۰				۰/۶۹۲				
۱۲					-/۸۳۹			
۱۴					۰/۵۱۱			
۲۱					۰/۵۵۰			
۲۵					۰/۶۲۷			
۴						-/۷۷۶		
۱۳						۰/۴۸۷		
۲۴						۰/۷۰۶		
۲۲							۰/۵۱۴	
۲۳							-/۷۶۶	
۱۵								۰/۴۲۳
۱۸								۰/۷۴۴

تفسیر ذهنیت ها

- ذهنیت ضعف بینش و دانش توسعه: تعداد ۸ نفر ۲۶/۶۶٪ مشارکت کنندگان در این گروه قرار گرفتند. عدم رشد اخلاقیات و فرهنگ توسعه، فقدان نگرش علمی، ضعیف بودن اهداف جمعی، ضعف اساسی در انتقاد و خود انتقادی، عدم حمایت از نخبگان، فرهنگ قوم گرا، تعصب و ضعف همبستگی را از چالش های مهم توسعه در این عامل جامعه و کشور تلقی می کنند.

- الگوی ذهنی عامل روان شناختی: تعداد ۴ نفر ۱۳/۳۳٪ مشارکت کنندگان را به خود اختصاص داده است. این گروه دیدگاه روان شناختی نسبت به چالش های مهم توسعه معرفتی جامعه دارند. این دیدگاه، نبود زمینه ها و بسترهای فکری و قدرت تفکر منسجم و

سازمان یافته، عدم برنامه ریزی و ضعف امید به آینده، تعارضات فرهنگی و سیاسی، ضعف انگیزه لازم برای پیشرفت در افراد و عدم حاکم بودن فرهنگ کار را از چالش های مهم توسعه معرفتی جامعه می دانند.

- الگوی ذهنی دیدگاه نظام آموزشی ناکارآمد: این گروه تعداد ۸ نفر ۲۶/۶۶٪ هستند. معتقدند، توسعه واقعیتی است فراهم آمده از مجموعه کنش های عقلانی و منطقی افراد جامعه و در این میان آموزش، عامل بسیار مهمی است که به وسیله آن می توان به عقلانی کردن اعمال و بهینه کردن رفتار انسان ها پرداخت و از دستاوردهای علمی و فرهنگی بشر در طول تاریخ استفاده کرد.

- الگوی ذهنی شخصیت پرستی: تعداد ۴ نفر ۱۳/۳۳٪ از تعداد کل در این گروه قرار گرفتند. این گروه معتقدند، یکی از خصلت های فرهنگی زیانبار کشور ما شخصیت پرستی است. از بدترین رفتارهای یک انسان خردمند و مدرن مخصوصاً در عصر امروزی، شخصیت پرستی احساسی و کورکورانه و بدون تفکر و تدبیر است.

- الگوی ذهنی ضعف فرایند نوسازی: تعداد ۳ نفر، در مجموع ۱۰٪ جامعه آماری در این الگو قرار دارند. اینان عدم هماهنگی تجدد با ارکان جامعه و عدم هماهنگی نوسازی با ارزش های جاافتاده جامعه را، از چالش های مهم توسعه معرفتی جامعه می دانند.

- الگوی ذهنی تجددستیزی: تعداد ۲ نفر ۶/۶۶٪ در این گروه قرار دارند. معتقدند، عاملان نوسازی برای بومی کردن تجدد تلاش کرده اند ولی محافظه کاران و سنت گرایان مانع رشد و پیشرفت فرایند توسعه شدند. مقاومت سنت در مقابل نوگرایی، تجددستیزی و حقوق شهروندی سفارشی و شهروندان بی تفاوت را از چالش های مهم توسعه معرفتی تلقی می کنند.

- الگوی ذهنی ضعف مدیریتی: مشارکت کنندگان این گروه تعداد ۴ نفر ۱۳/۳۳٪ از مجموع مشارکت کنندگان هستند. عدم مدیریت صحیح منابع کشور و اشاعه فرهنگ غربی بدون بومی کردن آن را از چالش های مهم معرفتی توسعه جامعه می دانند. مشارکت کنندگان این دیدگاه علت بومی نکردن دانش غربی را به عدم شایسته سالاری و ضعف مدیریت در جوامع در حال توسعه مرتبط می دانند.

- الگوی ذهنی ضعف فرهنگ تولید: در این گروه تعداد ۳ نفر ۱۰٪ نمونه آماری جای دارند. وجود روحیه واسطه گری و عدم اراده و روحیه عمومی برای تولید و بها دادن زیاد به داوری های دیگران نسبت به خود را از چالش های مهم توسعه معرفتی جامعه می دانند.

بحث و نتیجه گیری

دیدگاه گونه ذهنی استخراج شده ضعف بینش و دانش توسعه با واریانس ۲۶/۲۱٪ بیان می گردد. این دیدگاه که از بعد شناختی به موضوع نگاه می کنند معتقدند که هنوز زیرساختار توسعه از لحاظ معرفتی در جامعه شکل نگرفته است. نخبگان در این زمینه نقش اساسی را ایفا می کنند. فقدان حاکمیت علم در کشور نیز یکی از عواملی است که نقش به سزایی در تداوم وضعیت موجود ایفا می کند. نظر این گروه با نظر توسعه نانا واتی همخوانی دارد. وی معتقد است؛ بالاترین و هشیارانه ترین توانایی بشر همان فکر مفهومی و دانش و بینش مربوط به آن است و سازماندهی کردن ایده ها با قدرت فکر، دانش مفهومی را شکل می دهد و زمانیکه همه ایده ها سازماندهی شوند، یک نیروی قدرتمند بوجود می آید. نظریه نیز سازماندهی نظام یافته علم و دانش است. (ناناواتی. ام. بی.)

این الگوی ذهنی با نتایج تحقیقات بسطامی نژاد و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیق معمای توسعه نیافتگی و امام جمعه زاده و منفرد (۱۳۸۳) با مولفه بسترهای فکری تحول، همسویی دارد. دیدگاه الگوی ذهنی عامل روان شناختی با واریانس ۱۱/۹۲٪ بیان می شود.

در همه کشورها معمولاً دیدگاه های متنوع سیاسی و فرهنگی در خصوص بسیاری از موضوعات وجود دارد ولی بعلاوه داشتن حزب و شفافیت سازی، دیدگاه غالب در هر دوره ایی شکل می گیرد؛ که این امر باعث می شود در کشور زمینه فکری و برنامه ریزی منسجم شکل بگیرد. توسعه یک فرآیند است نه برنامه، توسعه محصول توسعه مجموعه ای از خط مشی ها و برنامه ها نیست بلکه ماحصل فرآیندی است که بواسطه آن جامعه از سطوح پایین انرژی، کارآمدی، کیفیت، بهره وری و پیچیدگی فهم، خلاقیت، لذت

و کمال به سطوح بالاتر از آن ارتقا می یابد رابرت مک فارلند و یا گونبر معتقدند زیرساختارهای روانشناختی: انرژی اجتماعی، آرزو و اشتیاق و رویکردها ارزشهایی هستند که جامعه را پذیرای ایده های جدید و واکنش به فرصتها، اراده تغییر، کار شدید و پویایی میکند که لازمه ارتقاء به سطوح بالاتری از توسعه بشمار می آیند (گری یا گونبر و رابرت مک فارلند ۱۳۸۳) این گونه ذهنی با نتایج تحقیقات آزاد ارمکی (۱۳۹۴) عقب ماندگی و توسعه در ایران و تحقیق پرناک و دیگران (۱۳۹۳) در خصوص شاخصهای حکمرانی خوب سنخیت دارد. دیدگاه گونه ذهنی استخراج شده نظام آموزشی ناکارآمد با واریانس ۱۰/۷۴٪ بیان میشود. نظام آموزشی کارآمد، مهمترین عامل در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و سطوح مختلف توسعه نیز به نوبه خود منجر به توسعه نظام آموزشی می گردد. برابری، مهیا سازی فرصتهای برابر، متناسب با نیازهای ویژه هر فرد است. شواهد جهانی نیز حاکی از آن است که آموزش در نوین سازی عرصه های رفتاری، نگرشی، برنامه ای، روش و بهبود کیفیت زندگی انسانی نقش مهمی را ایفا می کند. همخوانی و سنخیت این عامل با نتیجه مطالعه سوک ها^۱ و همکارانش (۲۰۱۴) در مقاله ای تحت عنوان «تلاش معلمان برای تسهیل توسعه اجتماعی دانش آموزانی از فرهنگهای مختلف» مشاهده شد. گونه ذهنی شخصیت پرستی؛ دیدگاه این گروه با واریانس ۸/۶۰٪ بیان گردید. در این عادت غلط فرهنگی، شخص خود را ناتوان، بی سواد، فاقد قدرت و اراده و فاقد قدرت تصمیم گیری می داند و شخص مورد تایید خود را مظهر تمام کمالات و فضایل و به تعبیر بهتر انسان برتر و ابر انسان می داند. دیدگاه گونه ذهنی ذهنی ضعف فرایند نوسازی با واریانس ۶/۰۳٪ بیان شد. آنها بیشتر به عدم هماهنگی و تطابق فرایند نوسازی با ارکان سنتی جامعه تاکید دارند. در این رویکرد توسعه اقتصادی یک پدیده اقتصادی بوده اما ورای رشد اقتصادی قرار دارد. به سخن دیگر رشد اقتصادی شرط لازم توسعه اقتصادی است اما شرط کافی نیست. (روشه، ۱۳۹۵). این ذهنیت با نتایج پژوهشهای می - ری^۲ (۲۰۰۸) در مطالعه اثر رشد بخش اجتماعی بر توسعه و پلاجرسون^۳ و همکارانش (۲۰۱۹) در پژوهش سیاست اجتماعی در هند، سنخیت دارد. گونه ذهنی تجد دستیزی: با واریانس ۵/۱۸٪ دیدگاه شان بیان می گردد. اگر تاریخ معاصر را بازه زمانی یکصد سال اخیر در نظر گرفته شود، مهم ترین ویژگی جامعه ایران «هراس از مدرنیته» است که در هر دوره و زمانی به نحوی ظهور و بروز پیدا کرده است لویس (۱۹۹۵) برای رشد اقتصادیک کشورهای توسعه نیافته، اظهار می دارد که «راه توسعه، رشد اقتصادی به شیوه سرمایه داری است و راه تحقق آن توزیع درآمد از طریق جابجایی نیروی کار از بخش معیشتی به بخش سرمایه داری و ایجاد بورژوازی صنعتی و تضمین پیوسته تسلط آن بر قدرت دولت است». (عنبری، ۱۳۹۳: ۶۱) این ذهنیت با نتایج تحقیقات ستس^۴ (۲۰۰۰) در پژوهش روند توسعه در خاورمیانه و می ری^۵ (۲۰۰۸) مقاله ای با عنوان " توسعه اجتماعی هند، هسو است. دیدگاه مشارکت کنندگان گونه ذهنی ضعف مدیریتی با واریانس ۴/۴۳٪ بیان میشود. نصب و عزل زیاد مدیران بر اساس معیارهای قومی و حزبی و بروکراسی شدید در مناسبات اداری و عدم استفاده از نیروهای متخصص و کارآمد و ارجعیت روابط بر ضوابط باعث شده است که مدیران ارشد کشور در بومی کردن دانش غربی، استفاده از دانش محلی و بطور کلی در مدیریت صحیح منابع کشور موفقیت بالایی کسب نکنند. پیتز دورنر، گسترش امکانات و پرورش قابلیت بشری را که برای رهایی از فقر، کاهش بیکاری و نابرابری به کار میرود، در توسعه اقتصادی ضروری می پندارد. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷). شوپتر^۶ توسعه اقتصادی را به مثابه پیشرفت فناوری می داند. فرانسوا پرو^۷ دانشمند معروف فرانسوی توسعه اقتصادی را ناشی از تغییرات روحی و اجتماعی قوم و یا ملتی می داند که در نتیجه آن قدرت تولیدی سیستم اقتصادی در یک جبهه وسیع پیوسته و مداوم افزایش می یابد (اقتداری، ۱۳۵۴). به باور ویلیامسون توسعه فرایندی است که در آن تحولات ارزشی و نهادی، زمینه لازم را برای کارکرد اقتصاد بازار و توسعه شتابان صنعتی فراهم آورد (ویلیامسون، به نقل موسایی،

^۱ Hye suk Ha

^۲ Ray

^۳ Sophie Plagerson

^۴ Estes

^۵ Ray

^۶ Schumpeter

^۷ Fracocis Perroux

۱۳۸۸: ۱۰۱). با نتایج پژوهش با نتایج تحقیقات میرفردی و همکاران (۱۳۹۷) در موانع توسعه اجتماعی در ایران و جعفری و قنبری (۱۳۹۶) در تحقیق مطالعه توسعه اجتماعی ایران، سنخیت دارد. الگوی ذهنی ضعف فرهنگ تولید: دیدگاه این گروه با واریانس ۳/۸۱٪ بیان گردید. همچنین مشارکت کنندگان این گروه به فرهنگ نامولد و نقص نظام آموزشی از موانع توسعه معرفتی کشور یاد کردند. فرهنگ موجب توسعه و پیشرفت بخش‌های مختلف از زندگی انسان‌ها می‌شود. ماکس وبر نیز در کتاب اخلاق و پروتستان و روح سرمایه‌داری مهر تأیید بر نقش فرهنگ در تحول اجتماعی می‌گذارد و خاطرنشان می‌سازد که اخلاق پروتستان زمینه ظهور سرمایه‌داری را در جهان غرب فراهم ساخت (وبر، ۱۳۹۷). رونالد اینگلهارت، بر دگرگونی فرهنگی تحت تأثیر توسعه اقتصادی تأکید می‌کند. اینگلهارت از تحویل اقتصاد سیاسی به سوی فرهنگ سیاسی و فرهنگ مدنی به مثابه شکل محسوس تغییر از عوامل و منابع اقتصادی تحولات اجتماعی^۱ به عوامل و منابع فرهنگی تغییر اجتماعی یاد می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۹۱). نظرات این گروه با نتایج تحقیقات میرفردی و همکاران (۱۳۹۷) در موانع توسعه اجتماعی در ایران و این الگوی ذهنی با نتایج تحقیقات بسطامی نژاد و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیق معمای توسعه نیافتگی همسویی دارد.

پیشنهادهای پژوهش

پژوهش محوری و پژوهش مداری سلول بنیادین توسعه همه جانبه و فراگیر بشمار می‌رود. در راستای نتایج حاصله از این پژوهش برای ارتقای و تداوم بیشتر جستارهای ذهنی و معرفتی توسعه پیشنهادهایی به شرح ذیل عنوان می‌گردد:

- افزایش ظرفیت‌ها و بسترهای مشارکت آحاد افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها. - برنامه‌ریزی و ایجاد فضا و منابع مناسب برای استفاده حداکثری از پتانسیل فکری و جسمی نسل جوان به فعالیت گسترده و اصولی در بخش تولیدات فرهنگی جهت همسویی با فرهنگ محلی و با فرهنگ‌های جهانی و به ویژه با فرهنگ دنیای مدرن که در اغلب موارد مورد پسند و پذیرش نسل جوان هست. - افزایش توان علمی کشور در جهت پاسخگویی به نیازهای روز نسل جوان. - توجه به پتانسیل‌های اقلیمی منطقه در توزیع منابع و امکانات رفاهی آموزشی صنعتی بهداشتی فرهنگی و غیره. - استفاده حداکثری از نیروهای فکری و ذهنی و جسمی قومیت‌های مختلف در تخصیص منابع و بودجه‌ها و امکانات محلی.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان
- اقتداری، علی محمد (۱۳۵۴)، توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه تهران: انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
- امام جمعه زاده، سید جواد و منفرد، سید قاسم (۱۳۸۳)، ریشه‌های تاریخی توسعه نیافتگی سیاسی ایران (تا قبل از انقلاب اسلامی) از منظر اندیشه گران لیبرال و اسلامی، نشریه سیاست، دوره ۱، شماره ۶۵، ص ۳۵-۸۵
- اینگلهارت، رونالد، (۱۳۹۵)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۴)، عقب ماندگی و توسعه در ایران، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۲، ص ۵۱-۷۷.
- بسطامی نژاد، محمود؛ میرزایی، خلیل (۱۴۰۰)، معمای توسعه نیافتگی ایران از دیدگاه صاحب‌نظران علوم اجتماعی، نشریه علوم اجتماعی، دوره ۱۵ شماره ۵۳، ص ۳۱-۵۶.
- بیروالن، (۱۳۵۷) فرهنگ علوم اجتماع، باقر ساروخانی. تهران، نشر کیهان،
- بنی فاطمه. حسین و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی محیط زیستی در بین شهروندان شهر تبریز دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه شماره دوم پاییز و زمستان

¹ Self- expression

- بنی فاطمه. حسین. (۱۳۹۶)، بررسی جامعه شناختی چالش های رشد و توسعه بنگاه های اقتصادی خانوادگی در ایران، فصلنامه جامعه شناسی اقتصاد و توسعه، شماره سوم بهار و تابستان
- تو دارو. مایکل (۱۳۷۰)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی. سازمان برنامه و بودجه تهران
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۱)، نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- جباری، حبیب (۱۳۸۰). مشارکت و توسعه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- خادمی، امیرحسین، رهنما، محمدرحیم و زمانی پور، مسعود (۱۴۰۰)، تحلیل چالش های پیش روی توسعه پایدار اجتماعی، نهادی و اقتصادی کلانشهرهای ایران. برنامه ریزی منطقه ای سال یازدهم تابستان ۱۴۰۰ شماره ۴۲: ۱-۱۷.
- رنج پور. رضا و همکاران (۱۳۹۲). محاسبه و بررسی شاخص توسعه اجتماعی در کشورهای اسلامی منتخب با تاکید بر ایران، فصلنامه جامعه شناسی توسعه، دوره دوم، پاییز و زمستان
- روشه، گگی (۱۴۰۱) تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
- زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷)، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه دکتر فریده فرهی، وحید بزرگی، تهران، نشر مرکز.
- سن، آمارتیا کومار (۱۳۹۴)، توسعه یعنی آزادی، ترجمه ی سید محمد سعید نوری نائینی، تهران: نشر نی.
- سیف اللهی، سیف الله (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، مجموعه مقاله ها و نظریات. تهران: مؤسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا. عباسزاده. محمد و همکاران (۱۳۹۴)، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پتانسیل کارآفرینی، فصلنامه جامعه شناسی اقتصادی توسعه، دوره چهارم، پاییز و زمستان
- عظیمی، آران (۱۳۸۴)، مدارهای توسعه نیافتگی در ایران، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۷.
- علیزاده، عبدالرضا، کافی، مجید و اژدری زاده، حسین (۱۳۹۹)، جامعه شناسی معرفت، جستاری در تبیین رابط ساخت و کنش اجتماعی و معرفت های بشری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عنبری، موسی (۱۳۹۳)، جامعه شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ، چاپ اول. تهران. نشر سمت.
- فرزاد، رضا (۱۳۹۸)، ارزش ها و نگرش های مردم افغانستان درباره ی توسعه اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- گری یا گونبرو مک فارلند و ان، آسوکان؛ نظریه جامع توسعه اجتماعی؛ ترجمه مسعود اریایی نیا، به نقل از کتاب توسعه اجتماعی (۱۳۸۷) - تهران - پژوهشگاه مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- ناناواتی. ام. سی، نقش نیروی انسانی در توسعه اجتماعی، مهناز شاه عزیزاده، به نقل از کتاب توسعه اجتماعی (۱۳۸۷) - تهران - پژوهشگاه مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- ناطق پور، محمدجواد (۱۳۸۶)، رویکردی نو در آسیب شناسی اجتماعی از نگاه توسعه، تهران، نشر سلمان.
- مجردی، سعید (۱۳۹۱)، اینترنت و امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی، مجید (۱۳۹۰)، جامعه مدنی ایران. تهران: نشر مرکز
- منصوری، عیسی (۱۳۷۹)، توسعه انسانی زمینه ساز توسعه سیاسی و اقتصادی، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۸۸: ۷-۱۸.
- میرفردی. اصغر؛ صادق نیا، آسیه (۱۳۹۷)، تحلیل موانع توسعه ی اجتماعی در ایران
- موسایی میثم (۱۳۸۸)، رابطه توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی، شماره ۲۰، ۱۱۷-۹۶: ۲۲.
- همتی، مارال، نواح، عبدالرضا (۱۴۰۰)، مطالعه کیفی عوامل موثر بر توسعه اجتماعی (شهرستان آبدانان)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

- وبر، ماکس (۱۳۶۹)، شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- یو، دال سیونگ (۱۳۷۷)، فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی: مطالعه تطبیقی کره و ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران) ف ش ۴، ص ۱۸۱-۲.
- هزار جریبی، جعفر و ارفعی مقدم، عبدالمجید (۱۳۹۴)، جهانی شدن و توسعه اجتماعی ایران در سه دهه گذشته بین سالهای ۱۳۶۱ - ۱۳۹۱، مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۲، دوره ۷.
- Bourguignon. F. (2003) The growth elasticity of poverty reduction: explaining heterogeneity across countries and time periods. In: Eicher, T, Turnovsky, S. (Eds.) Inequality and Growth. Theory and Policy Implications. The MIT Press, Chicago.
- J, Jiang, L. Luo, P. Xang, 2018, How does social development influence life expectancy? A geographically regression, Public Health, 163, 95-104.
- Sophie Plagerson, Leila Patel, Tessa Hochfeld, Marnianne S. Ulriksen, 2019, Social policy in South Africa: Navigating the route to social development, world development, 113, 1-9
- Watts, S, & Stener, P. (2012). Doing Q Methodological Research. Theory, Method and Interpretation. LOS ANGELES, London, New Delhi, Singapore, Washington DC: SAGE
- Deutsch, M. et al. (2006). The Handbook of Conflict Resolution Theory and Practice, Second Edition, San Francisco: Jossey-Bass, Epistemological challenges of development and its role on the contemporary social development process of Iran.